

# مبانی اقتصادی در تقویت همکاری‌های جنوب-جنوب

محمد سریر

نگاهی به گذشته

اندیشهٔ ایجاد همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان کشورهای مختلف جهان، اعم از بزرگ و کوچک و دارا و ندار، پس از جنگ بین‌الملل دوم قوت گرفت و از طریق سازمانهای بین‌المللی طرح و پی‌گیری گردید؛ لیکن اختلافات عمیق ایدئولوژیک میان قطبهای سیاسی، بخصوص در جریان جنگ سرد، و همچنین تفاوت فاحش زیربنایی در اقتصاد کشورهای صنعتی و کشورهای جهان سوم، موجب گردید تا این تلاشها به نتیجهٔ مؤثری منجر نشود. زمینهٔ توسعهٔ همکاری‌های فنی میان کشورهای در حال توسعه، به کنفرانس آسیا-آفریقا که در سال ۱۹۵۵ در باندونگ برگزار شد، باز می‌گردد. در این کنفرانس، بر لزوم تسریع در گسترش همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای شرکت‌کننده تأکید شد و اعضا موافقت کردند که نسبت به تسهیل کمکهای فنی به یکدیگر، کوشش نمایند. ادامهٔ این نظر، منجر به تشکیل اولین اجلاس سران عدم‌تعهد در سال ۱۹۶۱ گردید و سه سال بعد از آن نیز گروه ۷۷ ایجاد شد که این دو ارگان، پایه‌های اصلی همکاری‌های جنوب-جنوب را تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر، اختلاف مقدار مطلق ارزش افزوده در بخش‌های اقتصادی در کشورهای صنعتی، در مقایسه با همین مقدار در کشورهای ناسدار در جهان سوم، این فاصله را بتدریج بیشتر کرده و امکانات مالی کشورهای ندار را به سوی کشورهای دارا سرازیر نموده است.

امکان بروز بحرانهای اقتصادی و تشنجهای سیاسی در صحنهٔ بین‌المللی، به علت ادامهٔ رابطهٔ غیرعادلانهٔ اقتصادی میان دو بخش از مردم جهان که عاقبت منافع بلندمدت آنان را به خطر می‌اندازد، بعضی از کشورهای صنعتی را نگران ساخته و آنان را برای تداوم بخشیدن به بهره‌گیری از امکانات کشورهای جهان سوم، وادار به جستجوی راه‌هایی کرد.

این نگرانی، ابتدا در سال ۱۹۷۴ از جانب ژیسکاردستن، رئیس جمهور وقت فرانسه، عنوان گردید. وی خاطرنشان ساخت که مسائل میان دو گروه کشورهای فقیر و غنی، با مقابله و ستیز حل نخواهد شد و لازم است امکانات برقراری گفتگوهای مستمر میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه فراهم گردد. پس از انجام مذاکرات، اولین کنفرانس همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای صنعتی در حال توسعه، در آوریل ۱۹۷۷، آغاز به کار نمود. در این کنفرانس، ۸ کشور صنعتی و ۱۹ کشور در حال توسعه به نمایندگی از طرف گروه کشورهای ۷۷ شرکت داشتند. این کنفرانس با توجه به دیدگاه‌های متفاوت دو گروه نسبت به مسائل مطرح شده، به نتیجه مورد نظر نرسید؛ لذا در اجلاس سی و دوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیته‌ای از جانب گروه ۷۷ برای ادامه مذاکرات شمال و جنوب تشکیل گردید تا در چارچوب منشور ملل متحد فعالیت نماید و متعاقب آن در سال ۱۹۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اجلاس ویژه‌ای را تشکیل داد و مقرر شد به منظور دستیابی به نتایج مفید از مذاکرات شمال و جنوب، مذاکرات مذکور تحت نظر سازمان ملل به منظور برقراری یک نظام نوین اقتصادی در جهان ادامه یابد.

از دیدگاه اقتصاد بین‌الملل، پس از یک ربع قرن بر خورداری کشورهای صنعتی از نرخ رشد تولید بالا، از نیمه دوم دهه ۷۰ بروز نابسامانی اقتصادی در این کشورها مشهود گردید؛ به طوری که به بحران اقتصادی این کشورها در ابتدای دهه ۸۰ منجر شد.<sup>۲</sup> کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته در جریان بروز این نابسامانی‌ها از سال ۱۹۷۵ اقداماتی را جهت انجام همکاری‌های فنی و اقتصادی میان خود از طریق تهیه و اجرای برنامه‌هایی در چارچوب «همکاری اقتصادی میان کشورهای در حال توسعه»<sup>۳</sup> و «همکاری فنی میان کشورهای در حال توسعه»<sup>۴</sup> به عمل آوردند.

در حقیقت می‌بایست این اقدام را آغاز همکاری اقتصادی میان گروه کشورهای جهان سوم، بدون شرکت کشورهای صنعتی، دانست و در حقوق بین‌المللی نیز از این اقدام به عنوان یک تحول بزرگ یاد شده است.

این همکاری‌ها که به همکاری‌های جنوب- جنوب موسوم گردید، در میان کشورهای عضو گروه ۷۷، بویژه از طریق طرح‌هایی در چارچوب «برنامه عمل کاراکاس»<sup>۵</sup> به طور فعال مورد عمل قرار گرفت. براساس این برنامه، کشورهای در حال توسعه تمایل خود را به همکاری جدی در خصوص مسائل مربوط به توسعه اقتصادی ابراز داشته، اجلاسهای مختلفی را نیز برای ارزیابی اقدامات انجام شده تشکیل داده‌اند. در خصوص حامیان اندیشه همکاری‌های جنوب- جنوب در میان کشورهای

عضو جنبش عدم تعهد، باید از کیم ایل سونگ، رئیس جمهوری کره شمالی، نام برد. وی برای نخستین بار در ششمین کنگره حزب کارگران آن کشور، در سال ۱۹۸۰، از اعضای جنبش عدم تعهد خواست که با برقراری همکاری‌های فنی و اقتصادی و همچنین ایجاد سیستم پولی و مالی عادلانه میان خود، روابط اقتصادی غیرمعتاد و نامناسب موجود اقتصاد بین‌المللی را برهم زده، نظم جدیدی در جهت تأمین منافع برحق کشورهای جهان سوم برقرار نمایند. رئیس جمهوری کره شمالی، با تکیه بر بخش کشاورزی به عنوان یکی از مسائل مهم در ساختمان اقتصادی این کشورها، خواستار توسعه کشاورزی مستقل (با قطع وابستگی فنی به کشورهای صنعتی) و افزایش تولید مواد غذایی در داخل، برای مبادله میان این گروه کشورها، شد.

برای تحقق این اندیشه، در ماه اوت سال ۱۹۸۱ سمپوزیومی با شرکت کشورهای عضو نهضت عدم تعهد و در حال توسعه برای افزایش تولیدات کشاورزی و مواد غذایی در پیونگ یانگ، پایتخت کره شمالی، برگزار شد که در آن امکانات کره شمالی برای تأمین این هدف ارائه گردید.

کره شمالی در هفتمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد که در هند برگزار شد، طرحی را برای همکاری‌های جنوب-جنوب ارائه نمود که مراحل تکمیلی آن به هشتمین اجلاس سران عدم تعهد (در حراره، پایتخت زیمبابوه) احاله گردید.

در اجلاس هشتم در حراره، که در شهریور ماه ۱۳۶۵ برگزار شد، تشکیل یک کنفرانس فوق‌العاده در سطح وزیران به تصویب رسید و مقرر شد که این کنفرانس در ژوئن ۱۹۸۷ در پیونگ یانگ تشکیل گردد (برگزاری این اجلاس مجدداً در اجلاس وزرای خارجه کشورهای غیر متعهد در جورج تاون مورد تأکید قرار گرفت).

اگرچه فکر و هدف اولیه در همکاری‌های جنوب-جنوب به طور عمده حول محور همکاری بین اعضای جنبش عدم تعهد در زمینه‌های فنی و اقتصادی متمرکز بود، لیکن بعداً با توجه به ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت در کشورهای عضو این جنبش و همچنین پیوندهای بسیاری از آنان با کشورهای صنعتی جهان، در طرح اولیه این موضوع تعدیلهایی به عمل آمد؛ به طوری که در مقدمه دستور جلسه کنفرانس اخیر وزرای خارجه جنبش عدم تعهد در کره شمالی نگاشته شده، همکاری جنوب-جنوب در کنار همکاری شمال-جنوب که به طور کلی از جانب کشورهای صنعتی ذینفع مطرح شده بود، قرار گرفته و بر تداوم همکاری شمال-جنوب نیز تأکید دارد. در این مقدمه، همکاری جنوب-جنوب، استراتژی مشترک کشورهای در حال توسعه برای

اصلاح روابط موجود بین شمال و جنوب در سطح بین المللی خوانده شده و همکاری های میان کشورهای در حال توسعه محدود به همکاری های فنی و اقتصادی برای نیل به استقلال اقتصادی و یکپارچگی حاکمیت سیاسی کشورهای عضو گردیده است. در طرح مقدماتی به منظور تسهیل همکاری میان کشورهای در حال توسعه، جنبه ها و زمینه های مختلفی به شرح زیر پیشنهاد شده است:

- تجارت
- همکاری های مالی و پولی
- غذا و کشاورزی
- انرژی
- سرمایه گذاری های مستقیم
- علوم و تکنولوژی
- هماهنگی استانداردها، اندازه ها و کنترل کیفیت
- بیمه
- نقش زنان در توسعه
- انفورماتیک و مخابرات
- مسکن
- مهندسی — خدمات مشورتی و ساختمانی
- بهداشت
- جهانگردی
- ورزش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### روند تحولات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه

این واقعیت که کشورهای در حال توسعه قربانیان نوسانها و تحولات تجارت بین الملل هستند، غیرقابل انکار می باشد.

ارزش صادرات کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۶ بیش از ۷۰ درصد در مقایسه با سال ۱۹۸۰ کاهش نشان می دهد. به همین لحاظ تجارت میان کشورهای جنوب — جنوب به خاطر رابطه مبادله نامطلوب و وضعیت مالی نابسامان این کشورها، شدت صدمه دیده و سهم این کشورها در تجارت جهانی از ۷/۲ درصد در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ به ۵ درصد در سال ۱۹۸۶ کاهش یافته است. (جدول شماره ۱).

قیمتهای ۳۳ کالای عمده، از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۶، به میزان یک سوم تنزل

یافته که شامل محصولات غذایی (بدون منظور داشتن مواد اولیه معدنی) می‌گردد (جدول شماره ۲).

انتظار می‌رود که همین روند در سال ۱۹۸۷ نیز ادامه یابد؛ لیکن به نظر می‌رسد که در دهه آخر قرن بهبودی نسبی در این امر حاصل شود.

سقوط قیمت کالاها، نتیجه تغییرات ساختاری بلند مدت و رابطه مبادله نامطلوب و به طوری عمده ناشی از فعالیتهای انحصاری شرکتهای چند ملیتی برای اغلب کالاهای اساسی می‌باشد. براساس بررسی‌های انجام شده، ۶ شرکت بزرگ چند ملیتی، بین ۷۰ تا ۹۰ درصد از بازار مواد غذایی، ۲۵ درصد از مواد اولیه کشاورزی و ۷۵ تا ۹۵ درصد از تجارت سنگها و مواد معدنی را در کنترل خود دارند.<sup>۶</sup>

پیش‌بینی گردیده که در دهه ۸۰، اقتصاد جهانی و روابط اقتصاد بین‌المللی تحت تأثیر تغییراتی عمده و اساسی به شرح زیر قرار می‌گیرد:

۱. تغییرات در بخشهای مختلف که به صورت فعالیتهای اقتصادی اولیه با تقلیل وابستگی‌های متقابل میان بخشهای مختلف همراه خواهد بود.

۲. تغییراتی ساختاری در تجارت جهانی و همچنین وضعیت قیمتها در بخش خصوصی پدید خواهد آمد.

۳. پیدایش اضافه تولید و نیاز به کارایی بیشتر در تولید و بهره‌گیری از نیروی انسانی، همراه با توانایی‌های بالاتر از یک طرف و وجود نارسایی‌ها و کمبودها و فقر از طرف دیگر.<sup>۷</sup>

علیرغم پیش‌بینی‌هایی که بانیان همکاری‌های جنوب-جنوب را برآن داشت تا ابتدا تلاشهای خود را بر روی همکاری در خصوص افزایش فعالیت در بخش کشاورزی متمرکز نمایند، طی نزدیک به دو دهه (۸۲-۱۹۶۰) سهم تولید در این بخش در مجموع تولید جهانی (در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه) کاهش نشان می‌دهد؛ در حالی که سهم تولید در بخش صنعتی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. از سوی دیگر، سهم بخش خدمات در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته که این موضوع حاکی از عدم وجود یک اقتصاد سالم در این کشورهاست.

آنچه حائز کمال اهمیت است، آن است که طی حدود یک دهه (۸۴-۱۹۷۳) سهم صادرات کشورهای صنعتی در کل تجارت جهانی دو برابر شده که در نهایت، این افزایش به بهای از دست دادن بازار کشورهای در حال توسعه و تا حدودی کشورهای با برنامه‌ریزی متمرکز انجام گرفته است.

در سال ۱۹۸۶، برای نخستین بار درآمد کشورهای در حال توسعه از محل

کالاهای ساخته شده در آن کشورها، بیش از درآمدهای آنان از محل فروش کالاهای اولیه (مواد خام اعم از نفت و...) بوده است،<sup>۸</sup> که این امر می تواند نویدبخش چشم اندازهای جدیدی برای کشورهای در حال توسعه باشد.

یکی از وجوه مشخصه دهه ۸۰ که قبلاً نیز عنوان شد، وجود اضافه عرضه در بازار مواد غذایی، مواد خام، نفت، کالاهای صنعتی، امکانات حمل و نقل دریایی و ظرفیتهای انسانی می باشد. یک دهه قبل، کلوب رم با قاطعیت پیش بینی کرده بود که اواسط دهه ۸۰ سالهایی توأم با کمبود مواد غذایی و منابع طبیعی پدید خواهد آمد.

در گزارشی که در سال ۱۹۸۰ برای کارتر، رئیس جمهوری سابق آمریکا، تحت عنوان «جهان در سال ۲۰۰۰» تهیه شده بود، چنین نتیجه گیری شده که تقاضا برای مواد غذایی برای مدت ۲۰ سال به طور مرتب افزایش خواهد یافت؛ در حالی که تولید مواد غذایی، بجز در کشورهای صنعتی، در سایر نقاط جهان تنزل خواهد کرد؛ به طوری که در انتهای این دوره، قیمت مواد غذایی به دو برابر خواهد رسید.<sup>۹</sup>

اکنون براساس گزارش وزارت کشاورزی آمریکا، ۲۵ کشور در جهان دارای اضافه تولید در فراورده های کشاورزی می باشند. حتی عربستان سعودی و فنلاند دارای اضافه تولید در محصول غلات هستند.<sup>۱۰</sup>

#### محدودیت فرصتها برای همکاری های متقابل

تنزل سهم مواد اولیه و نیروی کار و افزایش سهم دانش، تکنولوژی و سرمایه در واحد تولید نه تنها نقش کشورهای در حال توسعه را در تجارت بین المللی تغییر داده، بلکه بر روی بسیاری از ثوری های کلاسیک علم اقتصاد و سیاستهای اقتصادی منطبق بر این ثوری ها که بر روی فراوانی مواد خام و نیروی انسانی تکیه داشت، خط بطلان کشیده است.

به مفهوم دیگر، وضعیتی که کشورهای در حال توسعه با کمبود درآمدهای ارزی حاصل از صادرات مواد خام خود با آن مواجه شده اند، باعث گردیده تا برای واردات دانش و تکنولوژی مورد نیاز خود، زیر بار قروض سنگینی به کشورهای توسعه یافته بروند.

در حقیقت، تجدید ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه را باید در حل مشکل این کشورها در بازار بین المللی جستجو نمود. بدیهی است که بهره گیری شایسته از درآمدهای ارزی و نحوه برنامه ریزی ملی با در نظر داشتن تقدما در تخصیص منافع برای بخشهای زیربنایی<sup>۱۱</sup> در اقتصاد این کشورها از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد.

### قروض خارجی کشورهای جنوب

یکی از عواملی که بندهای اسارت کشورهای توسعه یافته را برپای کشورهای در حال توسعه انداخته است، بدهی های خارجی این کشورها به بانکها و دولتهای کشورهای صنعتی است. این امر، ماورای سایر مشکلات مالی، پولی و تجارتي این کشورها قرار گرفته است. علیرغم اینکه بانکهای چندملیتی و بعضی از کشورهای وام دهنده اعلام داشته اند که تسهیلاتی را برای بازپرداخت بدهی های کشورهای بدهکار فراهم خواهند ساخت، لیکن حل این مسئله و پیشگیری بازتاب آن، در میان مدت و بلندمدت بر روی تجارت بین المللی، نیاز به تمهیداتی خاص برای ایجاد تحولات اساسی در نظام اقتصاد جهانی دارد.

در گزارشی که در سال ۱۹۸۷ از طرف بانک جهانی منتشر گردیده است، نظرات بدینانه ای برای وضعیت این بدهی ها ابراز گردیده و هشدار داده شده است که چنانچه کشورهای جهان سوم برای نیل به چگونگی حل و فصل این بدهی ها نتوانند از طریق تماس با وام دهندگان به نتیجه ای دست یابند، صدمات جبران ناپذیری به سیستم مالی بین المللی و اقتصاد جهانی وارد خواهد گردید.<sup>۱۲</sup>

بدهی های کشورهای جهان سوم تا پایان سال ۱۹۸۶ به ۱۰۳۵ میلیارد دلار بالغ گردیده و پیش بینی می گردد که این بدهی ها، تا پایان ۱۹۸۷ افزون بر ۱۰۸۰ میلیارد دلار شود.<sup>۱۳</sup> بخشی از افزایش این بدهی ها در سال ۱۹۸۶ (حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار) مربوط به تحولات نرخ ارز (کاهش بهای دلار) بوده است.

در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶، بدهی های بلندمدت کشورهای در حال توسعه از ۴۲۷/۴ میلیارد دلار به ۹۱۷/۷ میلیارد دلار افزایش یافته است. طی همین دوره، کشورهای بدهکار ۸۲۲ میلیارد دلار به کشورها و مؤسسات مالی طلبکار پرداخت کرده اند که از این مبلغ ۳۵۶/۳ میلیارد دلار آن بهره و وامها و بقیه قسمتی از اصل وام بوده است.<sup>۱۴</sup>

براساس موارد یاد شده، اکثر کشورهای در حال توسعه (۶۱ کشور که بدهکاری های خارجی دارند و ۱۵ کشور که درصد عمده بدهکاری را به خود اختصاص داده اند) در وضعیت مالی و اقتصادی ناگواری قرار دارند. جدول صفحه بعد نشاندهنده این واقعیت است که سرعت بر فقر و بدهی کشورهای ندار افزوده می گردد.<sup>۱۵</sup>



نوع بدهی و درآمد	۱۹۸۰	۱۹۸۹
قروض بلندمدت	۴۹۰/۳	۹۱۷/۷
درآمد حاصل از صادرات	۵۵۵	۴۰۰
منابع مالی خارجی در بلندمدت	۸۵/۱	۸۲/۱

(بدهی به میلیارد دلار)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای نخستین بار طی قطعنامه ای طرفین (وام گیرندگان و وام دهندگان) را دعوت نمود که با یافتن راه حلهای مورد قبول دو طرف، این مشکل را حل و فصل نمایند.<sup>۱۶</sup>

باید اذعان نمود که کشورهای در حال توسعه برای خروج از این دور تسلسل راه دشواری را پیش رو دارند. یگانه دیدگاه اقتصادی روشن برای این کشورها، تلاش برای متوازن نمودن حسابهای ملی و گام برداشتن در جهت نیل به توسعه اقتصادی است که این امر می تواند در چارچوب همکاری میان کشورهای در حال توسعه، یا همکاری های جنوب-جنوب، به نحو مؤثری انجام گیرد.

#### هدفهای عمده همکاری های جنوب - جنوب

طی ۲۵ سال گذشته که پایه های اولیه همکاری های جنوب- جنوب شکل گرفته است، حکومتها و شخصیت های سیاسی خاص، نقش مؤثری در شکل گیری و پیشبرد آرمانهای آن داشته اند. معذالک اندیشه دستیابی به یک «خود کفایی جمعی»، همواره در متن این کوششها قرار داشته است و ملتهای جهان سوم آنرا به عنوان یک اصل عمده و ملموس پذیرا بوده اند.

تجربه تلخ کشورهای جهان سوم در همکاری های خود با کشورهای صنعتی و وابستگی های سیاسی و اقتصادی ناشی از آنها که طی سالیان دراز منشأ تنشهای سیاسی در کشورهای در حال توسعه بوده است، می تواند توجیه کننده بسیاری از هدفهای همکاری های میان کشورهای مذکور باشد. لذا وارد ساختن خطوط کلی این همکاری ها در طرح استراتژی اقتصادی کشورهای در حال توسعه، اقدامی ضروری است. هدفهای اقتصادی عمده همکاری های جنوب- جنوب را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱. استفاده از امتیازات و امکانات موجود در میان کشورهای در حال توسعه از



طریق همکاری‌های مستقیم با تسهیل بهره‌گیری از حداکثر ظرفیتها و حذف عوامل واسطه که ریشه در کشورهای صنعتی دارند.

۲. فراهم نمودن تسهیلاتی به منظور ایجاد زمینه‌های جدید همکاری در سطوح مختلف از طریق برنامه‌ریزی‌های هماهنگ، برای نیل به یک اقتصاد سازنده‌تر.

۳. تقویت موقعیت کشورهای در حال توسعه برای چانه‌زدن با کشورهای صنعتی از راه همکاری‌های مشترک، به نحوی که طرفین از آن منتفع گردند.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

۱. دهه ۸۰ بدترین دوره در دهه‌های قرن بیستم برای اقتصاد جهانی بوده و تغییرات و تحولات اقتصادی مهمی را به دنبال داشته که ناشی از دو عامل عمده بوده است:

الف) سیاستهای اقتصاد کلان ضد تورمی و محدودکننده در اغلب کشورهای توسعه یافته.

ب) تغییرات بلندمدت در فعالیتهای اقتصادی و تأثیر تحولات تکنولوژیک در عوامل مختلف تولید.

۲. کشورهای در حال توسعه قربانیان اصلی بحرانهای اقتصادی این دهه بوده‌اند. درآمد سرانه در این کشورها تنزل نموده و بر شکاف میان کشورهای فقیر و ثروتمند به طور قابل ملاحظه‌ای افزوده شده است.

۳. برای جلوگیری از وسعت گرفتن شکاف میان این دو گروه از کشورها و تلاش برای ارتقای اقتصادی کشورهای در حال توسعه، لازم است که نسبت به برقراری روابط اقتصادی متقابل با کشورهای هم‌گروه به منظور تأمین منافع طرفین تلاش شود. بدون شک کشورهای در حال توسعه با استفاده از توانایی‌های بالقوه خود قادرند بسیاری از نیازهای فنی، سرمایه‌ای، مواد اولیه و نیروی انسانی مورد نیاز خود را تأمین سازند.

۴. بررسی و پیگیری مستمر فعالیت و همکاری‌های کشورهای صنعتی و توسعه یافته می‌تواند در پیشرفت و موفقیت همکاری‌های میان گروه‌های در حال توسعه نقش عمده‌ای ایفا نماید. از طرفی نقش سازمانهای مالی بین‌المللی، نظیر «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی»، نمی‌بایست نادیده گرفته شود و باید هدف برقراری یک نظم نوین اقتصادی در جهان به طور مستقل و از طریق سازمانهای بین‌المللی دنبال شود.

۵. در مورد اقتصاد داخلی کشورهای در حال توسعه، موضوع بهره‌گیری مطلوب از منابع تولید، اصلاح سیاستهای اقتصادی و تقویت توانایی‌های علمی و فنی کشورها می‌تواند در بلندمدت همکاری‌های جنوب- جنوب را پربارتر نماید.

جدول شماره ۱ - ارزش صادرات  
(واحد به میلیارد دلار درصد)

سال	ارزش جهانی	کشورهای صنعتی	کشورهای در حال توسعه	کشورهای با برنامه ریزی متمرکز
	میلیارد دلار درصد	میلیارد دلار درصد	میلیارد دلار درصد	میلیارد دلار درصد
۱۹۶۳	۱۵۵	۱۰۴	۳۲	۱۹
۱۹۷۳	۵۷۴	۴۰۷	۱۱۰	۵۷
۱۹۸۰	۱۹۸۹	۱۲۵۶	۵۵۵	۱۷۸
۱۹۸۱	۱۹۶۳	۱۲۳۴	۴۵۴	۱۸۴
۱۹۸۲	۱۸۴۴	۱۱۷۱	۴۸۰	۱۹۳
۱۹۸۳	۱۸۰۸	۱۱۵۷	۴۴۷	۲۰۴
۱۹۸۴	۱۹۰۷	۱۲۳۲	۴۶۵	۲۱۰
۱۹۸۵	۱۹۲۲	۱۲۷۵	۴۴۰	۲۰۶
۱۹۸۶	۲۱۱۰	۱۴۸۰	۴۰۰	۲۳۰

منبع: نشریه «گات»، ۲۳ مارس ۱۹۸۷.

جدول شماره ۲ - شاخص بهای کالاها

(۱۹۷۹=۱۰۰)

سال	نفت	۳۳ کالا	محصولات کشاورزی	فلزات و مواد معدنی
			غذایی	کالاهای دیگر
		جمع کل		
۱۹۸۰	۱۰۷	۱۰۵	۱۰۴	۱۰۶
۱۹۸۱	۱۱۹	۹۱	۹۰	۹۲
۱۹۸۲	۱۰۹	۸۲	۸۱	۸۲
۱۹۸۳	۱۰۳	۸۹	۸۸	۹۵
۱۹۸۴	۱۰۱	۹۲	۹۵	۹۰
۱۹۸۵	۹۸	۸۱	۸۳	۷۴
۱۹۸۶	۴۲	۶۸	۷۴	۵۷

۶۱	۶۲	۶۵	۶۴	۶۴	۴۹	۱۹۸۷
۶۵	۶۹	۷۲	۷۱	۷۰	۵۱	۱۹۹۰
۷۴	۸۳	۷۵	۷۷	۷۶	۶۳	۱۹۹۵
۷۶	۸۴	۷۷	۷۸	۷۸	۹۰	۲۰۰۰

منبع: نشریه بانک جهانی، ۱۷ ژانویه ۱۹۸۷

۱. بعدها این مذاکرات به «گفتگوهای شمال و جنوب» معروف گردید.
۲. البته بهبودی کلی در اوضاع اقتصادی کشورهای صنعتی در سال ۱۹۸۴ پدید آمد؛ لیکن زمان آن کوتاه بود؛ به طوری که در سال ۱۹۸۵ نرخ رشد تولید جهانی و همچنین حجم تجارت بین المللی به ترتیب ۵۰ و ۳۰ درصد تنزل نمود که در سال ۱۹۸۶ بهبودی نسبی حاصل شده است.
3. Economic Cooperation among Developing Countries (E. C. D. C)
4. Technical Cooperation among Developing Countries (T.C.D.C).
5. Caracas Plan of Action
6. UNCTAD, *Statistical Pocket book*, (New York: UN., 1984).
7. Challenges and Prospects of South - South Cooperation - Harare, 1987.
8. Gatt, Press Release, (23, 3. 87).
9. P. F. Drucker, «The Changed World Economy», *Foreign Affairs*. (New York, Spring 1987).
10. *Financial Times*, (4. 12. 86).
11. Infrastructure
12. *International Herald Tribune*, (23. 2. 87).
13. «World Bank Debt Tables 1986 - 87, *World Bank News*, (27. 2. 1987).
14. IMF, *World Economic Outlook*, (April 1987).
15. GATT, *International Trade*, 1985/86.

۱۶. قطنامه شماره ۴۱/۲۰۲، مورخ هشتم دسامبر ۱۹۸۶.

پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی